

وقایع افغانستان از 2001 تا 2014 میلادی

(بخش 60)

به منظور آنکه خواننده عزیز بتواند چگونه گی اوضاع و احوال مربوط به شخصیت و حیثیت حقوقی، انسانی و اجتماعی زنان، دختران و پسران خرد سال کشور در تحت حاکمیت رهبران (جهادی - تنظیمی - طالبی) در چارچوب دولت حامد کرزی و پیش چشم ده ها هزار نیروی مسلح غربی و صد ها نهاد و مؤسسه بین المللی و همچنان در پرتو غوغای تبلیغاتی امریکا و ناتو و متحدان آنها در افغانستان، تجسم نماید، اینک، چند رویداد خشونت آمیز، بیرحمانه، قاتلانه و نقض حقوق بشر علیه زنان و کودکان افغانستان را به نقل از منابع رسمی و گزارش های رسانه یی داخلی و خارجی در اینجا درج مینمایم :

منابع خبری در سال 2012 میلادی گزارش تصویری دلخراشی را به نشر سپردند که گروهی از طالبان مسلح را نه چندان دور از پایتخت کشور (در شهرک غوربند واقع در هشتاد کیلو متری کابل) نشان میداد که زن مظلومی را به اتهام واهی " زنا "، پیش چشم عامه با شلیک چندین گلوله به فرقتش، به قتل میرسانند.

" نادیه انجمن " زن شاعره سرزمین با فرهنگ هرات نیز در همین سالهای پس از سقوط گروه طالبان، به جرم سرایش شعر و داشتن احساس عمیق انسانی، توسط شوهر طالبزده اش به قتل رسا نیده شد. یک محقق در امور وضعیت زنان بنام " نیکولا ایمیلین " به شبکه " انتی وار " گفت که " سلسله حملات بالای دختران مکاتب توسط طالبان، غرض جلوگیری از تحصیلات دختران افزایش یافته و صد ها دختر دیگر از ناحیه پخش مواد سمی بیمار شده اند "

* در ماه جولای سال 2010م، شوهریکی از زنان افغان در آرژگان که گفته شد عضو گروه طالبان بود، گوش و بینی همسرخویش (عایشه) هجده ساله را به اتهام فرار از خانه بُرید و او را تنها در دامنه کوه رها کرد و خود پا به فرار نهاد.

* در ماه جون سال 2010م، دو جوان (پسر و دختر) که همدیگر را دوست داشتند، در قریه "ملاقلی" مربوط ولایت قندوز، توسط طالبان سنگسار شدند.

یک منبع سازمان ملل نیزگفت که " افغانستان از ناحیه خشونت ها علیه زنان در درجه بالا قرار دارد. اعمالی از قبیل تجاوز جنسی، سنگسار و غیره همه روزه { درافغانستان } صورت میگیرد..."

این سخنها و گزارشهای تکان دهنده، همیشه ازسوی نهاد های حقوق بشر و برخی منابع رسمی ابراز میگردید، ولی هیچکس و هیچ منبع داخلی یا بین المللی درجهت رفع مصیبت های وارده برزنان کشور اقدام عملی و مؤثر بعمل نمی آورد. خشونت های خانواده گی، قتلهای بیرحمانه، تجاوزهای جنسی و فیزیکی، ازدواجهای اجباری (آنها در سنین پایین)، محروم سازی از حق تحصیل و دانش، اختطاف ها، بد دادن ها، حتا خرید و فروش زن نه تنها در بدل پول، بلکه در معاوضه با حیوانات و برده سازی آنها در چهار دیوار خانه ها، همان سنت ها و رویداد های ننگین و غیر انسانی بودند که حتا در سایه موجودیت صدها نهاد و مؤسسه بین المللی حامی حقوق بشر و ادعا کننده گان آزادی و دموکراسی در افغانستان و جهان، همه روزه صورت میگرفت .

* یک زن جوان (بیست و دو ساله) در ماه نوامبر 2006م، در منطقه شاه دشت واقع در شمالشرق بدخشان، ازسوی دوازده نفر به سرکرده گی یک جنگسالار بنام " مجتبی " مورد تجاوز جنسی دستجمعی قرار گرفت. گزارشها افزودند که چون دو کودک این زن، گریه و فریاد به راه انداخته بودند، یک تن از متجاوزان، در دهان هر دو کودک ادرار هم نمود.

* گلدسته، خانم سی و دو ساله یک نفر چوپان درقریه " ده سرخ الله یار" مربوط چغچران ولایت غور، توسط هشت تن مسلح، مورد تجاوزجنسی قرارگرفت. باسای گزارشهای منتشر شده از هرات، غلام نبی شوهر گلدسته درحالیکه اشک میریخت، میگفت که عاملان این رویداد ازجمله زورمندان منطقه هستند و باید مجازات شوند. اعضای خانواده گلدسته گفتند که افرادی بنام های نسیم، حفیظ، نصرالدین و شمس الدین بعنوان عاملان اصلی این تجاوز شناسایی شده اند، ولی مقام های مسوول هیچ اقدامی غرض دستگیری و یا مجازات قانونی آنها بعمل نیاورده اند. (261)

* پسری، خواهرش را به ظن داشتن رابطه نا مشروع با مرد دیگری، در ولایت بلخ به قتل رسانید. (262)

* یک مرد بنام " تاش فولاد" در ولایت جوزجان، زن بیست و هشت ساله اش بنام شریفه را با چاقو سربزید. یک منبع ولایت جوزجان گفت که این دومین حادثه دلخراش سربزیدن زن بدست شوهرش میباشد. نجیبه قریشی رییس امورزنان ولایت جوزجان به خبر گزارى بخدمت گفت که خشونت علیه زنان در ولایت مذکور، رو به افزایش است و این خشونت ها در سال روان، سی در صد بالا رفته است. (263)

* دوشیزه جوانی بنام ذاکره در شهرک کشم مربوط ولایت بدخشان، توسط پدر و برادرش، زنده بگور گردید.

دختر جوان دیگری بنام " زینب " درولایت فراه، توسط ماما و برادر شوهرش مورد تجاوز جنسی قرارگرفت. زینت که پدر و مادرش را نیز از دست داده بود، دریکی از " خانه های امن" در شهر کابل بسر می برد. او میگفت که " دولت باید ازمن دفاع کند، چراکه از دست من هیچ کاری بر نمی آید، بمن تجاوز کردند، حق مرا ضایع ساختند و پدر و مادرم را کشتند... " (264)

- * دوشیزه جوانی بنام " شکیلا " در ولایت بامیان مورد تجاوز جنسی قرار گرفت و متعاقباً توسط همان متجاوز به قتل رسید. مردم محل گفتند که قاتل و تجاوزگر کاملاً شناخته شده و مشخص است ، اما هیچ منبع و مقامی در این باره توجه نمیکنند. (265)
- * قمرگل، زنی بود که دو مرد در شهرک " گوسفندی " ولایت سرپل بالای او تجاوز جنسی انجام دادند، اما مقام های قضایی و امنیتی آن ولایت، قربانی تجاوز جنسی را به زندان افکندند. گزارشها حاکی از آن بود که کودک قمرگل در زندان به دنیا آمده است و مادر و کودک هر دو به خاطر جرم نا کرده به زندان بسر میبردند. در گزارش آمده بود که یکی از زورمندان محل به همکاری راننده، قمرگل را اولاً بیهوش نموده او را در یکی از هتل های شهر مزارانتقال داده و آنگاه مورد تجاوز جنسی قرار دادند. جالب این بود که باز هم مسوولین ولایت سرپل، قربانی را به اتهام عمل زنا به زندان سپردند. رییس امور زنان در ولایت سرپل گفت که " کسانیکه به قمرگل تجاوز کرده اند، به دلیل نفوذی که در محل دارند، آزاد هستند... قضایای مشابه زیادی در این ولایت وجود دارد که به آن رسیده گی صورت نمی گیرد... " (266)
- به قول رییس امور زنان ولایت سرپل، زنی که در بستر بیماری بود، توسط شوهرش زهر در پاکت " سیروم " تزریق گردیده موجب مرگ آن زن میشود. وقتی پسر وی متوجه این قضیه شده موضوع را به مقام های محلی اطلاع میدهد، پسر بچه مذکور ناپدید میشود. موضوع دیگری را که رییس امور زنان ولایت مذکور افشا نمود، این بود که اکثر قاتلان و تجاوزگران، برای آنکه به چنگ قانون نیفتند، به سوی مخالفان مسلح می شتابند و با آنها می پیوندند. .. "
- ظاهره زحل مسوول سازمان زنان گفت که " در سال جاری تنها در ولایت شمالی سرپل، یکصد و پنجاه مورد خشونت علیه زنان به ثبت رسیده است ... " (267) * یک

دختر خور دسال توسط شخصی بنام عبدالرحمن درقریه " بوزروق" مربوط به شهرک کدار ولایت بلخ مورد تجاوز جنسی قرار گرفت .

- گزارشها از ولایت بدخشان افغانستان نیز حاکی از آن بودند که میزان خشونت علیه زنان در آن ولایت رو به افزایش بوده است . مسوول بخش زنان مربوط دفتر ولایتی کمیسیون حقوق بشر به خبرنگار روزنامه "هشت صبح" گفت که " طی ده ماه سال گذشته، به تعداد چهل و پنج مورد خشونت علیه زنان به ثبت رسیده بود، درحالیکه طی شش ماه اول امسال (2013م)، خشونت ها علیه زنان به سی و پنج مورد رسیده است. " مسوول زنان در ولایت بدخشان علاوه نمود که " این آمار در حالی ثبت گردیده که نسبت پراکنده بودن قرا و قصبات و صعب العبور بودن راه ها و غیره، رویداد های خشونت بار ضد زنان آنطور که باید به اطلاع دفتر حقوق بشر نمیرسد و یا غالباً از سوی خانواده ها پنهان نگهداشته میشود. "

- * یکی از خانم های پولیس در ولایت غزنی، توسط افسر مافوقش مورد دست اندازی قرار می گیرد. وقتی خانم مذکور موضوع را به مقام های مسوول افشا میکند، نه تنها هیچ بازخواستی در این مورد صورت نمی گیرد، بلکه شاکی، تهدید به اخراج از وظیفه نیز میشود. تا همین سال، در میان نیروی یکصد و پنجاه و هفت هزار نفری افغانستان، صرفاً به تعداد 2200 نفر زن شامل کاربرد و دولت افغانستان در نظر داشت تعداد کارکنان زنانه در نیروی پولیس را تا پایان سال 2014 میلادی به پنجهزار نفر بالا برد. (269)
- * تنها در جریان سال 2013م (1392 خورشیدی)، باساس اظهارات مقام های امنیتی ولایت قندوز، چهارده زن و دختر به قتل رسیدند و ده ها رویداد تلخ و خونین دیگر که رسماً گزارش نشدند، به وقوع پیوست (270)

* بانوفریده احمدی آموزگار دریکی از مکاتب ولایت فراه، بتاريخ اول ماه میزان سال 1392 خورشیدی توسط طالبان مسلح و پیش چشم همه تیرباران شد.

* باساس گزارشِ خبرگزاری " بُخدی " که به نقل از ریاستِ امورِ زنانِ ولایتِ غزنی صورت گرفت، یک مرد ساکن " قلعهٔ نو خواجه روشنایی" مربوط آن ولایت، زنش را به ضربِ گلوله به قتل رسا نید و مادرِ موصوفه را زخمی نمود. گفته شد که قبل از آن نیز مرد دیگری، خانمش را در شهرکِ جاغوری مربوط ولایتِ غزنی به قتل رسا نیده بود.

* خبرگزاری " بُخدی " گزارش دیگری را نیز بتاريخ بیست و ششم ماه سنبله 1392 خورشیدی به نشر رسا نید مبنی براینکه " یک دخترچهارساله در ولایت هرات، پس از تجاوزِ جنسی به قتل رسا نیده شده است. " در همین گزارش همچنان آمده بود که " تاحال، بیشتر از ده موردِ خودکشی {انتحار} زنان در ولایت هرات رخ داده است. "

* خبرگزاری " بُخدی" از قولِ منابع امنیتی ولایت نیمروز بتاريخ دوم ماه قوس 1392 خورشیدی نوشت که " یک بانوی جوان درولسوالی "گنگ" این ولایت ازسوی شوهرش به وسیلهٔ تفنگ به قتل رسید.

* یک مرد درولایت هرات، خانمِ جوانش بنام " زری " را با تبر زخمی کرد و خودش فرار نمود.

* درماه فبروری سال 2008م، گوش و بینی یک زن جوان بنام " نفیسه " درولایت هرات، توسط شوهرش بُریده شد.

* به تاریخ 30 ماه جنوری 2008م، یک زنِ بیست و پنجساله بنام " پشتنه "، بخاطربی توجهی مقام قضایی و سایرِ اداراتِ دولتی غرضِ رسیده گی به عرایضش، خودش را در برابرِ ولایت لغمان آتش زد.

* درماه نوامبر 2008م، به روی یکتعداد از دخترانِ دانش آموزشهرقندهار، توسط دو نفر موتورسایکل سوار، تیزاب پاشیده شد.

* بتاريخ ماه جوزای سال 1393 خورشیدی، یک دوشیزه جوان در ولایت جوزجان، به دلیل فقر شدید اقتصادی، درگذشت پدر و معیوبیت مادر خویش دست به خودکشی زد.

* یک دختر جوان هجده ساله در پلخمری مربوط ولایت بغلان، بتاريخ 26 ماه جوزای 1393 خورشیدی، نسبت خشونت های سنتی و خانواده گی، خودش را به دریا افکند و از جهان رفت.

* یک سرباز نیروی امنیتی بنام " اختر محمد " در ولایت فراه، همسر جوان (25 ساله) خود را توسط چاقو به قتل رسانید.

زن دیگری در " دهنه غوری " مربوط پلخمری، از سوی افراد مسلح " ناشناس " در داخل خانه اش به قتل رسانیده شد .

خانم مژگان مصطفوی استاد دانشگاه و یکی از زنان فعال در بخش امور زنان افغانستان، ضمن گفت و گو با خبرگزاری " بُخدی " اظهار داشت که " پس از استقرار نظام جدید و شکل گیری ارگان های مدافع حقوق زنان در چوکات کابینه و جامعه مدنی، تحقیقات گسره ای در باره عوامل خشونت با زنان در افغانستان از سوی نهاد های ملی و بین المللی صورت گرفت که نتایج این گزارشها، نشانگر وجود خشونت های گسترده در بسیاری از مناطق کشور است ... خشونت ها با بدترین شکل ممکن رخ داده است ، به ویژه در همین چند هفته که واقعاً ما را خیلی متأثر کرده است ...پارسال هم تقریباً 5000 قضیه پیش ما ثبت بود و فعلاً تا اخیر برج نهم امسال، این رقم به نزدیک چهار هزار قضیه میرسد، ولی نوعیت خشونت ها بیشتر فجیع بوده است ... در همین روزها، رییس امور زنان ما از شفاخانه علی آباد کابل دیدن کرد که در آنجا یک خانم به بسیار وجه فجیع بدنش با چاقو بُریده شده، سر و جمجمه اش ضربه دیده و بسیار به شکل بدلت و کوب شده است ... رییس {امور زنان در قندهار} گزارش داده است که یک خانم در این ولایت به بسیار وجه فجیع بنام لطیفه در شفاخانه میرویس قندهار بستری است که با چاقو دهن اش بُریده شده است ... توقع ما اینست که مردم ما در برابر این اعمال که مغایر به شریعت اسلام است ، خیزش کنند ... " (271)

" قدریه یزدان پرست " کمشنر بخش زنان کمسیون مستقل حقوق بشر افغانستان طی یک گفت و گو با رادیو آزادی اظهار داشت : " از آغاز امسال تا کنون، بیشتر از سه هزار قضیه خشونت علیه زنان در نزد این کمسیون به ثبت رسیده است ... در میان حدود سه هزار قضیه خشونت علیه زنان، بیشتر آن را تجاوز جنسی و قتل های ناموسی تشکیل میدهند. . . به همین شکل، قتل، تجاوز جنسی ، سقط جنین، ضرب و شتم ، خود کشی، ازدواجهای اجباری، عدم پرداخت نفقه، ممانعت از فعالیت های اجتماعی، غصب ملکیت و فرار از منزل ، از موارد دیگر اند که گفته میشود زنان افغان در چند سال اخیر شاهد آن بوده اند... سطح خشونت ها در کشور بالاتر از این رقم است، اما بنابر عدم آگاهی زنان از حقوق شان، این واقعات، پنهان باقی مانده اند... کسانی که دست به خشونت میزنند مورد محاکمه قرار نمی گیرند و اُرگانهای عدلی و قضایی قطعاً نتوانسته اند که حد اقل، مجرمین را به میز محاکمه بکشانند، بخصوص کسانی که بالای یک زن تجاوز جنسی میکنند. متأسفانه هیچ یک از آنها مورد مجازات قرار نگرفته اند..." (272)

دفتر کمسیون حقوق بشر افغانستان همچنان بصورت رسمی افشا نمود که " ظرف نه سال گذشته، بیش از سی و نه هزار مورد خشونت علیه زنان و دختران ثبت شده است و از جمله سی و نه هزار و پنجمصد و سی و دو مورد خشونت که از طریق دفاتر مختلف این کمسیون ثبت شده است، سیزده هزار و چهارصد و هفتاد و شش مورد آن خشونت های فزیزی و سه هزار و سه صد و پنجاه و هشت مورد دیگر، خشونت های جنسی بوده است . "

نشریه الکترونیکی " فارسی - رو " در ماه مارچ 2014 م از قول یک منبع کمسیون حقوق بشر افغانستان نوشت که : " بیش از شش هزار و دوصد مورد خشونت علیه زنان افغان در سال 1392 خورشیدی به ثبت رسیده است که یک افزایش ده در صدی نسبت به سال قبل را نشان میدهد. "

بی احترامی به زن و بی باکی در برابر شخصیت او تا آنجا سرایت کرده بود که مثلاً شخصی بنام شیرین آغا در شهرک خان آباد مربوط ولایت قندوز، در ماه اکتوبر سال 2013 میلادی مادرش را به ضرب گلوله به قتل رسانید.

خبرگزاری بی بی سی بتاريخ بیست و پنجم ماه نوامبر 2013م به نقل از منبع امنیتی ولایت بغلان افغانستان نوشت که " یک دختر و یک پسر جوان براساس تصمیم شورای قبیله احمدزی در منطقه دهنه غوری به اتهام فرار از منزل اعدام شده اند. . . " منبع امنیتی بغلان به خبرنگار بی بی سی گفت که " این پسر و دختر، دیروز سوم ماه قوس 1392 خورشیدی، پس از فرار، توسط مردان این قبیله دستگیر و در شورای قبیله محاکمه شدند..."

علاوه از اینها، موضوع دیگری که مایه نگرانی شدید زنان و دختران افغانستان و نهاد های حقوق بشرگردید، همانا آزمایش بکارت زنان متهم به جرایم اخلاقی بود. گزارشهای مطبوعاتی و اظهارات مقام های حقوق بشر حاکی از آن بود که عمل مربوط به آزمایش بکارت، بدون توافق و رضایت زنان، توسط پولیس صورت میگیرد و حتا این آزمایش، بعضاً به تکرار نیز انجام داده میشود.

دیده بان حقوق بشر سازمان ملل در آن شب و روز گفت که " این عمل، حد اقل نقض کننده معاهده بین المللی حقوق مدنی و سیاسی (آی.سی.سی. پی.آر)، معاهده منع شکنجه (سی.ای.تی) و معاهده منع تمامی انواع تبعیض علیه زنان (سی.ای.دی.ای. دلیو) است که دولت افغانستان همه این معاهدات را امضا کرده است... جامعه حقوق بشری، این عمل را در ردیف اعمال " بیرحمانه، غیر انسانی و خفت آور قرار داده است " (273)

دیده بان حقوق بشر همچنان افزود که بازداشت زنان به اتهام جرایم اخلاقی در افغانستان، به تناسب یک و نیم سال قبل، پنجاه درصد افزایش یافته است ... حدود ششصد زن در افغانستان به اتهام جرایم اخلاقی زندانی هستند، درحالیکه این رقم در اکتوبر سال 2011، چهارصد نفر بود، بیشترین این زنان کسانی هستند که به دلایل مختلف ناشی از خشونت خانواده گی از خانه های خود فرار کرده و به پولیس مراجعه کرده اند..."

(274)

" یان کوبیش " نماینده خاص سازمان ملل در افغانستان اظهار نمود که " خشونت های خانواده گی در برابر زنان افغان در حال افزایش است ... شمار کشته و زخمی های زنان در افغانستان، بیست در صد افزایش یافته است ... طالبان زنانی را مورد حمله قرار میدهند که برای تأمین حقوق زنان در افغانستان تلاش میکنند ... طالبان این اقدامات را بصورت هدفمندانه انجام میدهند ... با خروج نیرو های بین المللی از افغانستان، زنان بیشتر مورد سوء رفتار ها قرار میگیرند ... زنانی که در ادارات دولتی کار میکنند، بیشتر هدف برنامه های تازه شورشیان قرار میگیرند ... " (275)

*فرزانه یکی از بانوان جوان در منطقه " پی خواجه " در مربوطات شهر شبرغان، ظاهراً خودش را حلق آویز نمود. گزارشها حاکی از آن بود که قبل از آن نیز چندین زن دیگر در آن ولایت اقدام به خودکشی نموده بودند.

نشریه الکترونیکی " افغانستان - رو " بتاريخ هجدهم ماه اکتوبر 2013م از قول ریاست امور زنان ولایت کندز نوشت که " در این اداره، هفتاد و دو مورد خشونت شدید علیه زنان به ثبت رسیده است ... چندی قبل، یک دختر 25 ساله توسط همسرش در کندز به قتل رسید و قاتل فرار کرد. "

شبکه خبرگزاری بی بی سی بتاريخ هجدهم ماه فبروری 2014 میلادی از قول خبرنگار خویس در ولایت بلخ نوشت که دوشیزه جوانی بنام " شریفه " ساکن روستای " کوه گنبد " ولایت جوزجان، دست به خودکشی زد. همین خبرنگار از قول ریاست امور زنان آن ولایت افزود که " ظرف یازده ماه اخیر، سی و دو مورد خودکشی زنان و دختران در ولایت جوزجان به ثبت رسیده است "

خبرنگاری بی بی سی از قول یکی از داکتران بنام " فریدون حبیبی " رییس اداره صحت ولایت جوزجان اضافه نمود که " از آغاز سال 1392 خورشیدی، در شفاخانه این ولایت، چهارده مورد خودکشی خانمها ثبت شده است . "

* دوشیزه شانزده ساله یی بنام انیسه که شاگردِ مکتب در ولایت کاپیسا بود، توسط گروه طالبان به قتل رسید.

* گروه طالبان در ماه جون سال 2012 میلادی بالای یک منزلِ رهائشی در شهرکِ " سوکی" مربوط ولایت کنر حمله نموده دختر جوان ساکن منزل را سر بُریدند.

* گروه طالبان یک زن بیوه را به اتهام داشتن رابطه نا مشروع، در ماه جولای سال 2010 میلادی در ولایت بادغیس، پس از وارد کردن دوسد ضرب شلاق و باز، با شلیک گلوله به قتل رسا نیدند. در گزارشهای منتشر شده آمده بود که افراد مسلح مربوط به " ملا یوسف"، دست به قتل این زن بینوا زدند. همچنان گفته شد که طالبان یک مرد را نیز به همین اتهام دستگیر نموده بودند، ولی فرد دستگیر شده با پرداخت پول به ملا یوسف، رها شد.

گروه طالبان، حدود چهار سال قبل از آن نیز یک زن دیگر را به اتهام " جاسوسی " برای نیرو های خارجی، در ولایت ارزگان تیر باران کرده بودند.

* گروه طالبان یک دختر و یک پسر جوان را به اتهام داشتن رابطه عاشقانه، در منطقه " بولان " مربوط شهر لشکر گاه سر بُریدند. این دو جوان ناکام ، بیست سال عمر داشتند.

* یک منبع امنیتی ولایت بغلان به خبرنگار بی بی سی گفت که " ابتدا یک دختر نه ساله مورد تجاوز جنسی قرار گرفت و به دنبال آن، برادر دختر مذکور، خواهر پانزده ساله پسر {متجاوز} را {بعنوان انتقامگیری}، در ملا عام مورد تجاوز جنسی قرار داد.

* یک زن سی ساله بنام " حمیده " در ولایت بامیان که دارای سه کودک نیز بود، بتاريخ هفدهم ماه سنبله 1393 خورشیدی، بخاطر سختی های زنده گی شباروزی، خودش را آتش زد.

* به تاریخ هجدهم ماه میزان سال 1393 خورشیدی، یک زن چهل ساله درکارتۀ ولسوالی انجیل ولایت هرات با ضرب چوب توسط شوهرش به قتل رسید. گفته شد که قاتل، خودش را به اداره پوлис هرات تسلیم کرد.

* در نیمۀ ماه اکتوبر 2014م، به تعداد چهار زن در منطقه " کورجی" ولایت فراه توسط گروه طالبان ربوده شده و سپس بصورت فجیعانه بی تیر باران شدند.

* در ماه می سال 2012 میلادی، یک مرد در ولایت بلخ، پس از آنکه زنش را لت و کوب نمود، زبانش را نیز با کارد بُرید. گفته شد که مقتول جنین هفت ماهه نیز در بطن داشت که او هم سقط گردید.

* گروه طالبان، در ماه جون سال 2012 میلادی، سرِ یک زنِ سی ساله و دو کودکش را در ولایت غزنی بُریدند. گفته شد که این زن، مدتی پیش، از شوهرش تلاق گرفته و با دو کودکش تنها زنده گی میکرد.

* گروه طالبان، در ماه جولای 2012 م سرِ یک پسر بچۀ دوازده ساله را در قندهار بُریدند.

* گروه مذکور همچنان در عین ماه و سال، سرِ یک پسر بچۀ هفت ساله را در ولایت کاپیسا از تن جدا کردند. آنها در ماه رمضان همین سال، سرِ یک نوجوانِ چهارده ساله دیگر را نیز به اتهام جاسوسی به خارجی ها در قندهار بُریدند.

* شخصی بنام محمد سلیم باشنده ناحیۀ ششم شهر هرات، مادرش را به قتل رسا نید

* شورای محلی ولایت بادغیس، بالای یک زن، حکم مرگ صادر نمود و به ضرب گلوله به قتل رسا نیده شد.

* یک زن بنام پروین توسط پسرش سربریده شد (رسانه ها نگفتند که این جنایت در کدام محل خاص صورت گرفت؟)

* قرار اطلاع منبع اداره امنیتی ولایت بغلان، مردی بنام یارگل، بتاريخ چهاردهم ماه حوت سال 1392 خورشیدی، لب های خانمش را که مژگان نام داشت، در ساحه ششصدکوتی پلخمری بُرید.

* طالبان یک زن بیست و پنج ساله را در ولایت هرات گردن زدند. (محل مشخص آن عمل خونین ذکر نشده بود)

* دومرد در ولایت قندوز، یک دختر چهارده ساله را گردن زدند.

* یک زن سی ساله در ولایت هرات به قتل رسا نیده شد و قاتل جسد او را مثله نمود.

* باساس گزارش " خبرگزاری صدای افغان - آوا " مؤرخ 28 ماه عقرب سال 1392 خورشیدی، افراد مسلح طی دو روز، یک دختر هشت ساله و یک زن شوهر دار را در شهرک " برکه " ولایت بغلان مورد تجاوز جنسی قرار دادند. گفته شد که این تجاوز جنسی از طرف افراد پولیس انجام داده شد.

* همین خبرگزاری گزارش داد که یک مرد بیست و دو ساله با یک کودک هفت ساله در ولایت جوزجان ازدواج نموده بود. مادر این دختر خورده سال، وقتی حال دخترش را در خانه همسر موصوفه خراب می بیند، به اداره پولیس شکایت میکند.

* همین خبرگزاری همچنان اطلاع داد که یک کودک (دختر) پنجساله به اسم " اسما " از سوی پدرش در برابر سه جریب زمین للمی فروخته شد.

* یک پسر و یک دختر جوان به روز بیست و پنجم ماه نوامبر سال 2013م، توسط گروه طالبان در محل " دهنه غوری " پلخمری، به جرم داشتن رابطه عاشقانه، تیرباران شدند.

این حوادثِ خونبار در حالی صورت می‌گرفت که مسوولانِ کمیسیونِ مستقلِ حقوقِ بشر در افغانستان اعلام نمود که " ظرفِ چهار ماهِ گذشته، بیش از هزار موردِ خشونت علیه زنان در دفاترِ کمیسیونِ مذکور ثبت گردیده است . "

در عین حال، مسوولانِ ادارهٔ امورِ زنانِ ولایتِ فراه در ماهِ جون سال 2012 میلادی به خبرگزاری بی بی سی گفتند که " هشت موردِ قتلِ زنان و پنج موردِ خودکشی به شمول سی و شش موردِ خشونت علیه زنان را در مدتِ کمتر از سه ماهِ اخیر ثبت کرده اند... " رییس ادارهٔ مذکور اظهار داشت که " در برخی موارد، این زنان با شلیک گلوله کشته شده و در مواردی هم، خفته شده اند... عده بی از عاملانِ چنین قتلها هنوز آزاد اند و هیچ نهادی آنها را مورد پیگرد قرار نداده است ... "

شبکهٔ خبرگزاری بی بی سی از قولِ یک منبعِ وزارتِ امورِ زنانِ افغانستان، بتاريخ اول ماه مارچ 2014م نوشت که " از هر صد هزار زن، سی و پنج نفر آنان در طول یکسال گذشته مورد خشونت قرار گرفته اند. . . در سال 1392 خورشیدی، چهار هزار و پنجمصد و پنج موردِ خشونت علیه زنان به ثبت رسیده است و این درحالیست که وزارتِ مذکور قادر نبوده گزارش های از ولایات پکتیکا و نورستان بدست بیاورد. "

منبع آن وزارت همچنان علاوه نموده که : " نهمصد و هشتاد موردِ خشونت علیه زنان، تنها در شهر کابل به ثبت رسیده که بیست و یک درصدِ کلِ خشونت ها را تشکیل میدهد "

* بتاريخ بیست و هفتمِ ماهِ نوامبر 2013م، خبرگزاری بی بی سی از قولِ یک منبع سازمان مدافع حقوق بشر نوشت که " بی بی سی به بخشهایی از پیش نویسِ قانونِ جزای افغانستان دست یافته که نشان میدهد دولت { حامد کرزی } در نظر دارد مجازاتِ سنگسار، قطع دست و صد ضربهٔ شلاق را بعنوان مجازات، وارد قانونِ جزای افغانستان کند. "

خبرگزاری مذکور، بخشهایی از این قانون را چنین شرح داد: " زنا بر اساس اقرار یا شهادت شهود در مجلس قضا ثابت میشود... شخصی که مرتکبِ جرمِ زنا میگردد از طرف محکمهٔ با صلاحیت

به مجازات ذیل محکوم میشود: سنگسار کردن الی زمان مرگ، در صورتیکه که زانی محصن (مرد زن دار) و یا محصنه (زن شوهر دار) باشند. زدن صد ذره (تازیانه) در صورتیکه زانی، غیر محصن با محصنه باشد. "

* در روز اول سال 2014م، خانم جوانی بنام . . . در ولایت تخار دست به خود سوزی زد، ولی نمرد. وی علت این اقدام را زشت بودن شوهر و لت و کوب همیشه گی اش دانست .

تا آنجا که گزارشهای متفرقه رسمی و غیر رسمی انتشار یافتند، حوادث هولناک دیگری را نیز در مورد وضعیت زنان و کودکان معصوم و مظلوم میهن حکایت میکردند. مثلاً، گفته شد که یک زن در ولایت بغلان، صرفاً بخاطر مصرف مبلغ پنجاه افغانی، توسط شوهرش به قتل رسا نیده شد. در همین ولایت، یکتعداد مردان مسلح، دوشیزه پانزده ساله ای را ربوده بالای موصوف تجاوز جنسی گروهی انجام دادند. بانوی بیست و پنج ساله یی بنام خدیجه در شهر هرات، با ضرب گلوله توسط شوهرش کشته شد. بانوی چهل و پنج ساله در ولایت نیمروز توسط شوهرش به قتل رسید. زن دیگری در ولایت بدخشان افغانستان، بصورت بیرحمانه ای به قتل رسانیده شد. دختر دوازده ساله ای را در ولایت زابل، بدون رضایت وی و بگونه اجباری به نکاح مرد کلان سال در آوردند. خانم سی و هشت ساله ای در ولایت بغلان دست بخودکشی زد. بانومریم بیست و دو ساله در ولایت هرات کشته شد و قس علیهذا.

در عین حال، بی بی سی از قول خانم حوریه مصدق، پژوهشگر افغانستان در سازمان عفو بین الملل گزارش داد که " کمیته تحقیق جرایم و مجازات شرعی و عرفی وزارت عدلیه، بیست و شش ماده جدید را در قانون جزای افغانستان پیشنهاد کرده که شامل حدود، قصاص، قطع دست و پا، سنگسار و یکصد ضربه شلاق است که همه آن خلاف تمام تعهدات بین المللی دولت افغانستان است. این قانون، افغانستان را به دوران طالبان میبرد و شاید یک حرکت سیاسی باشد و با توجه به سال

2014، دولت افغانستان کوشش میکند که این مواد را بگنجانند که به سیاست طالبان لیبیک بگوید و یا اینکه میخواهد به طالبان بگوید که ما با شما تفاوتی نداریم."

خبرگزاری بی بی سی کاپی فرمان شماره (1439) مورخ 1389/3/8 خورشیدی رییس جمهور در این مورد را نیز قرار آتی به نشر رسانید :



نتیجه آخرین تحقیق و بررسی بی بی سی که در اوایل سال 2015 میلادی از طرف اداره حقوق بشر و دموکراسی افغانستان تحت عنوان " حقوق زنان از نگاه مردان "، از طریق خبرگزاری بی بی سی منتظر شد، چنین بود: " ... از بررسی که حاصل دو سال تحقیق و مصاحبه با حدود 3900 مرد در شهر های کابل، هرات، بامیان، بلخ و ننگرهار میباشد، نشان میدهد که برخورد مردان نسبت به زنان افغان، پرخاشگرانه، بدبینانه و سرکوب گرایانه است ... " در این گزارش همچنان آمده بود که " مردانی که در این تحقیق شرکت کرده اند، زن را انسانی کوتاه فکر و فرو دست و جنس دوم تعریف کرده اند و تلاش داشته اند که حضور زنان را در جامعه و خانواده کمرنگ کنند"

یکی از مسوولان اداره حقوق بشر افغانستان به خبرنگاری بی سی گفت که " آزادی های زنان و دسترسی آنان به حقوق و همچنین مشارکت اجتماعی آنها در سالهای اخیر به دلیل بی توجهی های حکومت، محدود شده و سیاست های آستی جویانه رییس جمهور سابق {حامد کرزی} در مقابل گروه های شورشی، سبب شده که گروه های افراطی دو باره فعال شوند..."

این جریان، تصویر وحشتناکی از خرابی وضعیت حقوق بشر، بویژه حقوق و حیثیت زنان افغانستان در تحت حاکمیت سیاسی دولت حامد کرزی را پیش چشم خواننده های عزیز قرار میدهد.

شدت و گستره بیحرمتی به زنان، شکنجه، سرکوب و کشتار آنها در افغانستان تا آنجا رسید که خبرگزاریهای کابل بتاريخ بیست و هشتم ماه سپتامبر 2013م نوشتند که " دو زن به شکل برهنه در جنوب شرق افغانستان از درخت حلق آویز شدند. " البته این حادثه در دناک در شهرک " بره کی برک " مربوط ولایت لوگر در جنوب کابل واقع گردید.

* باساس گزارش رادیو " دویچه ویله " آلمان که از قول مقام های ولایت ارزگان به نشر رسید، یک پولیس زن بنام (فیروزه) و یک آموزگار زن بنام (ملالی) که در عین حال حامله نیز بود، نخست، از چند کیلو متری پایگاه نیرو های استرالیایی، توسط گروه طالبان ربوده شده و پس از آنکه به دار آویخته شدند؛ اجساد آنها در محله یی مربوط ترینکوت مرکز ارزگان گذاشته شد.

* در ماه فبروری 2014م، یک زن بیست و پنج ساله که در عین حال بحیث افسر پولیس ایفای وظیفه نموده و دارای یک کودک نیز بود، توسط شوهرش در " پلخمری " مرکز ولایت بغلان، توسط تیشه به قتل رسید.

قبل از آن، نیز یک زن و دو کودکش در اثر پرتاب بم دستی توسط شوهرش در ولایت هرات، زخمی شده بودند.

* جسد یک دختر بیست و یکساله در شهرک " ناهور " مربوط ولایت غزنی که از سوی تعدادی از تفنگداران ربوده شده بود، پس از هجده روز غیابت، در نزدیکی های منزل آنها پیدا شد.

* یک خانم هجده ساله در منطقه " ده پهلوان " مربوط شهرک " شیندند " به روز نهم ماه ثور سال 1393 خورشیدی با ضرب چاقو به قتل رسیده شد. دو روز قبل از آن، (هفدهم ماه ثور) یک خانم بیست ساله دیگر که در عین حال حامله نیز بود، در شهرک " کرخ " ولایت هرات، با ضرب سنگ توسط شوهرش کشته شده بود.

* به تاریخ بیست و یکم ماه ثور سال 1393 خورشیدی، یک زن هجده ساله، باشنده روستای " ده پهلوان " شهرک " شیندند " توسط شخصی بنام نصیر احمد ولد سردار احمد نامزد موصوفه، با استفاده از چاقو به قتل رسید.

* یک خانم جوان (هجده ساله) بنام شبنم، در اواخر ماه جون 2014م، در اثر تلت و کوب و شکنجه توسط شوهر و اعضای خانواده او در قریه " خانقاه ملکه " واقع در شهر سر پل به قتل رسید. گفته شد که " شبنم " با اساس سنت های نا پسند فئودالی و غیر مدنی، تحت رسم " بدل " به ازدواج اجباری جوانی بنام " خسروی " در آورده شده بود.

* یک زن جوان (بیست و دو ساله) بتاريخ چهاردهم ماه جولای 2014م توسط شوهرش در ولایت تخار به قتل رسید.

* یک دختر هجده ساله در ولایت تخار، توسط نه تن از سربازان سرحدی این ولایت ربوده شده و برای مدت سه شبانه روز مورد تجاوز جنسی پیهم قرار گرفت.

* یک دختر جوان (هجده ساله) در منطقه " بنگی " مربوط همین ولایت و در همین ماه جولای توسط پدرش به قتل رسید.

به منظور آنکه نوع برخورد، طرز تفکر، کشتار و بی باکی گروه طالبان، بخصوص در برابر زنان افغانستان خوبتر توضیح شده باشد، اینک جریان اعدام دوزنِ مظلوم افغان توسط گروه مذکور را از قول یکی از خبر نگاران افغان بنام (رحیمی) از ولایت غزنی ، البته پس از فشرده سازی لازم درج میکنیم که در سال 1388 خورشیدی نگاشته شده و در شماره مورخ بیست و هفتم ماه میزان سال 1392 خورشیدی " شبکه اطلاع رسانی افغانستان " بچاپ رسید:

* یک گروه چهار نفری در منطقه " الله یار " مربوط شهر چغچران ولایت غور، بتاريخ بیست و چهارم ماه جولای 2013 م به منزل یک زن داخل شده بالای وی تجاوز جنسی جمعی انجام دادند. همسر این زن، یک نفر چوپان بود. والی غور به خبر گزارها گفت که وقتی غرض دستگیری مجرمین اقدام بعمل می آورد، گروه مسلح طالبان در منطقه مانع آن میشوند. بنابراین، مرتکبین این جنایت تا هنوز هم دستگیر نشده اند.

* نشریه " جمهور " در ماه آگست 2014م، از قول منبع امنیتی ولایت ارزگان خبر داد که " یک دختر جوان به دلیل تحمیل از دواج اجباری از سوی خانواده، استفاده از دارو های ضد بیماری نباتی به زنده گی خویش پایان داد.

* نشریه " افغانستان - رو " بتاريخ هفدهم ماه آگست 2014م اطلاع داد که شخصی بنام عبدالسلام ، خانمش را در منطقه " لولاش " واقع در کوهستان فاریاب تیرباران کرد. گفته شد که خانم این مرد، در عین زمان حامله نیز بود.

* در هفته سوم ماه آگست 2014م، دوزن در شهر هرات واقع در غرب افغانستان به قتل رسیدند. منابع امنیتی شهر هرات گفتند که این دوزن که باشنده ناحیه ششم و هفتم شهر بودند،

دراثر اختلافات خانواده گی ازسوی اقارب شان کشته شدند. همچنان گفته شد که دو روزقبل ازآن نیز دو جسد ازدو زن کشته شده درشهرک انجیل هرات کشف شده بود. مسولان اداره امورزنان هرات گفت که طی سال جاری، هفده حادثه قتل نزد آن اداره به ثبت رسیده است. منابع حقوق بشرولايت هرات گزارش داد که تنها درسال 2014م به تعداد 64 زن دست به خود سوزی زده و درعین زمان، تعداد چنین قربانیان درشهر کابل به هفده زن بالغ میگردد.

* " کلید گروپ " درماه سنبله 1393 خورشیدی اطلاع داد که یک زن پنجاه ساله در منطقه " کلفت " بلخ توسط شوهرش به قتل رسید.

* همین منبع همچنان گزارش داد که یک زن 32 ساله که مادریک فرزند نیزبود، درولایت دایکندی، با ضربات چاقوبه صورت بیرحمانه یی توسط شوهرش به قتل رسید. مسول ساحه وی اداره حقوق بشردراین ولایت گفت که افزایش خشونت علیه زنان دراین ولایت، نگران کننده است

* بینی زن دیگری بنام " گلُ چمن " در ولایت دایکندی، به تاریخ 20 ماه سنبله (سپتمبر2014م) توسط شوهرش، آنهم بوسیله داس بُریده شد. این حادثه درحالی صورت گرفت که مسولان اداره امور زنان دردایکندی گفتند، اخیراً خشونت علیه زنان در ولایت مذکور، بیست درصد افزایش یافته است.

اینک، بجا خواهد بود درهمین قسمت، گزارش مستند یکی ازخبرنگاران افغان را که بوسیله رسانه های داخل افغانستان به نشر رسید، غرض مطالعه خواننده گرامی نقل کنم :

" حوالی ساعت یازده روز بود که {ازجانب طالبان} برایم زنگ زدند و ازمن خواستند که درقریه " آرزو " حاضر شوم. پرسیدم مولوی صاحب موضوع از چی قراراست؟ درجوابم گفته شد از نزدیک باید صحبت کنیم. .. وسیله نقلیه ام موتورسایکل بود که همیشه ازآن استفاده میکردم. نا رسیده به قریه آرزو، دربین زمین های زراعتی، شش طالب مسلح با سه عراده موتورسایکل منتظرم بودند. به

محض رسیدنم، یکی از آنها از همراهش جدا شد و در موتورسایکل من سوار شد. بدون کدام گپ و سخن حرکت کردیم. دو عراده موتورسایکل پیش از من در حرکت شدند و یک عراده آن به تعقیب راه افتاد. من مجبور بودم در وسط آن ها حرکت کنم. تصور میشد همه آنچه انجام میگرفت از قبل طرح و برنامه ریزی شده بود. جالب اینجاست که بعداً دانستم که طالب همراه پاکستانی بود نه افغانستانی. یقین دارم که این موردش را نیز از قبل پلان کرده بودند. دقایقی بعد به قریه "شالیز" رسیدیم. .. به سمت ولسوالی اندر غزنی به پیش میراندیم. همراهانم از راندن در سرک و راه های عمومی پرهیز میکردند. راندن در کوره راه ها و بین مزارع را علی الرغم ناهمواری هایش ترجیح میدادند... چیزیکه در هنگام ورود، توجه من را بخود معطوف داشت ده ها عراده موتورسایکل بود که پشت دیوار به دو طرف دروازه ورودی به چشم میخوردند. آنطرف تر در گوشه باغ، اتاق کوچک به نظر میرسید و نور کم رنگ چراغ از تنها دریچه کوچکش سوسو میزد... نماز شام تمام شد. مولوی پیش نماز مرا در کنارش خواست و با لحن تند پرسید چرا ریش خود را تراشیده یی؟ در عوض با ملایمت تمام جواب دادم در صورتیکه ریش بگذارم و هیاتم به شما شبیه شود، مورد سوطن مامورین دولتی قرار خواهم گرفت. بعد از چند لحظه سکوت، بحالت جدی تراز قبل پرسید: شما کدام سوال ندارید؟ گفتم دارم. در اولین سوال پرسیدم چرا افراد شان به دسته های جداگانه تنظیم شده اند؟ مولوی صاحب توأم با اشاره دست گفت: این دسته مجاهدین افغانستانی میباشند و آن دسته، مجاهدین پاکستانی و آن دسته، مجاهدین عرب میباشند و آندسته دیگر، مجاهدین چینی میباشند... بعنوان سوال دیگر پیشنهاد دادم که اگر ممکن باشد با یکی از مجاهدین پاکستانی مصاحبه داشته باشم. در جواب گفت مانع ندارد. در این زمان از دسته طالبان پاکستانی، طالبی پیش آمد و خودش را ایوب معرفی کرد. از طالب پاکستانی پرسیدم در افغانستان برای چی آمدی؟ ایوب گفت: برای جهاد این جا آمده ام. جهاد برای هر مسلمان فرض است. ما مجاهدین، کشور اسلامی افغانستان را از دست کفار آزاد میکنیم و پس از آن، برای جهاد و آزاد سازی کشور اسلامی فلسطین در آن کشور میرویم... در این زمان بود که دو زن برقع پوش از همان اتاق کوچک کنج باغ بیرون آورده شدند. با خود گفتم شاید این دو زن همان هایی باشند که یک روز قبل خبر دستگیری و اختطاف شان در بعضی از رسانه ها انعکاس یافته بود، حالا نیز هرآنچه باشد در مورد همین دو میباشند... هر دو ایستاده بودند مات و مبهوت به طالبان که در اطراف شان حلقه زده بودند مینگریستند. در این زمان مولوی که سر دسته گروه بود رو به من کرد و گفت باید برویم. اما این را نگفت کجا میرویم. {موتر} سراج سفید رنگ داخل باغ آورده شد و آن دو زن را سوار نموده سپس از باغ بیرون شد. به تعقیب چندین

موتورسایکل که شاید تعدادش به بیست عراده میرسید و هر عراده دو شخص را حمل کرده بود، یکی پس از دیگر، از آن باغ بیرون شدند... در شب باید میراندیم. در کوره راه های ناهموار و پُر از جر و جوی... وقتی از او {طالب همراه} پرسیدم چرا اجازه ندارید چراغ های موتورسایکل را روشن نگهدارید؟ در جواب گفت همیشه وقتی شبانه وظیفه میرویم، حق نداریم چراغ های موتورسایکل های خود را روشن کنیم، چونکه از شعاع کمترین نور حتی نور کمرنگ آتش سگرت، ممکن است موقعیت ما افشا شود و توسط کافر ها رد یابی و بمبارد شویم... همینطور که با سرعت و بی دقت میراندم، یک وقت دریافتم که موترسراچه در فاصله چند قدمی ام توقف نموده است و دیگر افراد طالبان با موتور سایکل های شان یکی پس از دیگر در اطراف موتر پراکنده میشدند. هوا به گونه ای تاریک شده بود که همه چیز بصورت یک شبح دیده میشد... هردو زن را از موتر پایین کردند، حالت آنها بسیار آشفته و محزون به نظر میرسید، گویا سایه مرگ را روی سرشان می دیدند. هردو در مقابل هم ایستاده شده بودند و با صدای لرزان باهم چیزی میگفتند. چند قدم نزدیک تر رفتم تا بدانم با هم چی میگویند. بلی! از مرگ حرف میزدند. درک کرده بودند که لحظات آخر عمر شان را سپری میکنند. یکی نا امیدانه از دیگری می پرسید ما را میکشند؟ ... وقتی فهمیدند من خبر نگار هستم با التماس زیاد از من خواستند عکس شان را نگیرم. میگفتند ما از خودقوم و خویش داریم، آنها نباید پیش مردم رنگ زرد شوند... {مولوی} بمن گفت، این ملعونه ها را میخواهیم اعدام کنیم، شما چه نظر دارید؟ در جواب گفتم: مولوی صاحب نظر بنده نزد شما مهم نخواهد بود، هر آنچه تصمیم گرفته اید، همان خواهد شد، ولی این را بدانید که کشتن زن در فرهنگ ما افغانها نارواست... مولوی بعد از آنکه فلم اعترافات آن دو زن را برایم نشان داد و ضمناً از شیوه دست گیری آنها برایم حرف زد، دو باره دست به جیب نمود و سند را که مهر و امضا پای آن دیده میشد به من نشان داد و گفت که حکم قتل این دو زن کتباً از کویته به آنها مواصلت کرده است... در جریان تمام آن اتفاقات، آنچه که از همه بیشتر برایم تکان دهنده بود، صحنه یی بود که طالبان حاضر در آن قتلگاه، برای کشتن آن دو زن نگون بخت، یکی بر دیگری پیشی میگرفتند، حتی کارشان به منازعه لفظی انجامید. یکی شان میگفت این بار من باید بکشم، شما فلان روز کشته اید، دیگرش میگفت من باید بکشم شما هفته پیش کشته اید، سومی میگفت چند روز میشود که من کسی را نکشته ام، من باید بکشم. در نهایت، طالبی که ولعش برای کشتن بیشتر از همه بود، از مولوی صاحب اذن کشتن را یافت. او اسلحه اش را که از نوع کلاشینکوف بود آماده کرده روی هر دو دستش بلند نمود و به طرف آن دو زن حرکت کرد، ولی آن دو زن تا زمانی که میله تفنگ به طرف شان نشانه نرفته بود به زنده ماندن خود امید

داشتند، اما لحظه‌ی بی‌که میله تفنگ به طرفِ شان بالا رفت، آخرین امیدِ زنده ماندن را از دست دادند. مرگ فقط هشت قدم از آنها فاصله داشت. جزشیون و زاری، چاره‌ای برای آنها باقی نمانده بود. هرچه فریاد زدند و ناله سر دادند کسی فریاد آنها را نشنید. قاتل پیش آمد درست از فاصله هشت قدمی آن دو را هدف قرار داد. درشلیکِ اول که به صورت ضربه { ضربتی} فیر شد، یکی از آندو دفعتاً از پا در آمد و ناله هایش برای همیشه خاموش شد. ولی دیگرش هنوز زنده بود، زخم که خورده بود، خیلی آزارش میداد و بخود می پیچید و جیغ میزد، گویا ناله های دلخراشِ آن زن، قاتل را تهییج کرد، نزدیکتر آمد، میله تفنگ را در بناگوشِ او چسپانید و چندین گلوله را بصورت ضربه در مغز او شلیک نمود. خون و آتش از مغز او فوران نمود. برای اینکه از مردنِ زن دیگری نیز مطمئن شود، بالای سر او آمد، چندین گلوله روی سر و صورت او ضربه کرد..."

(ادامه دارد)